

آمدیم. در عرض این چند روز روشن شده است که اولاً آن روز سرتیب دفتری که در جلیب وی مسامحه شده بود، با افراد گارد مسلح به نفع تظاهر کنندگان حزب ذوالفقارو آریا و زحمتکشان دکتر بقائی وارد شده، افراد فرمانداری نظامی هیچگونه مقاومتی نکرده (اند) نزدیک ساعت ۱۲ خبر رسید که سرتیب دفتری رئیس شهر بانی شد. همه خیال کردند از طرف دکتر مصدق (انتخاب) شده است. سرهنگ لشرفی توسط سرهنگ مررشته و همچنین سرهنگ مدبر بازداشت شدند و سرگرد مبصر هم چون مردم را تحریک به حمله به دژ بانی می نمود، دستگیر شد، ولی این بازداشت‌ها، نوسداروی پس از مرگ بود و دیر جنبیده بودند. خط دیگر دولت دکتر مصدق که علت آن مکشوف نشده است، بی خبر گذاشتن ملت در آن روز بود. می‌بایست اولاً اداره رادیو حفظ گردد، ثانیاً از ساعت ۸ یا ۹ صبح که آثار تشنج هویدا بود با دادن اعلامیه‌ها، مردم را با خبر نمایند که اجتماع نموده، تظاهر کنندگان را که عده آنها در مقابل یکصد هزار نفری که به دولت وی رأی داده بودند، چیزی نبود، هر کدام نفی می‌انداخت، در زیر تف می‌ماندند، خبر کنند. از طرف نهضت ملی و احزاب ملی هیچگونه اعلامیه‌ای صادر نشد. مردم بدون سرپرست و حیران بودند. شنیده شد که بازار آن روز خیلی مقاومت کرده و مهاجمین هر که آمده به بازار، زود متفرق کرده‌اند و نگذاشته‌اند بدانجا وارد شوند، هنوز هم با وجود اعلامیه‌های مکرر دولت حاضر به باز کردن بازار نشده‌اند.

خط آخر دولت دکتر مصدق به نظر اینجانب روش آن روز دکتر فاطمی در مورد مقام همایونی بوده است که هر چه ناسزا بوده به وی گفته است. به نظر من با توجه به وضع گرفتن فرامین دور از انصاف بوده است. تازه اگر مقام همایونی شخصاً (فرامین را) داده بود، جا نداشت این قدر ناسزا گوئی کند زیرا هنوز عده‌ای از ملت ایران، به خصوص در قوای انتظامی (طبقه کم سواد، یا سرباز) عده زیادی هستند که به مقام سلطنت علاقمند بوده و این روش تند و پائین آوردن مجسمه‌ها دل‌آنانرا جریحه‌دار می‌کند. این روش از یک فرد سیاستمدار بعید به نظر می‌رسید. به نظر من اگر بدون اهانت به اعلیحضرت، به سرکوبی توطئه‌چیان و عوامل بیگانه می‌پرداختند، موفقیت بیشتر بود. فرماندهان و عوامل کودتا کمتر می‌توانستند این همه از زیردستان خود یا عده‌ای از افراد ملت استفاده نمایند.^۱

همسر عزیزم و فرزندان دلبندم؛ قضایای بالا را بدین منظور نوشتم که چون حکومت فعلی می‌داند که من از اسرار آنها آگاهم، مرا نیست نمایند. (وقتی) وضع کشور نیز در آینده توسط اینها تثبیت گردد، اسم مرا به بدنامی ببرند این موضوعات را نوشتم که فرزندانم هر وقت بزرگ

۱- باز در اینجا دکتر علمیه سنی کرده شاه را از ماجرا دورنگاه دارد تا در صورتی که گرفتار شد، مفری برای دفاع داشته

شدند بخوانند (و) بدانند که پدر آنها خیانت به کشور نکرده و راه و روش وی، درست و شرافتمندانه بوده است. چه بسا اگر اوضاع ایجاب کند، این اوراق را بدهید منتشر کنند که فرزندانمان در جامعه سر بلند باشند و در مقابل رفقا خفیف نگردند.

در مورد دارائی خودم، چون این جانب برادران مهربان دیگری دارم که از پدر و مادر و خواهرانم سرپرستی کنند و اولاد من صغیراند که خیلی باید کشید تا بزرگ شوند، تمام دارائی خودم را پس از کسر حقوقات قانونی خودت، به فرزندان دلبندمان منتقل می‌کنم، به دو شرط؛ اول اینکه چنانچه بازداشت شدم، تا موقعی که زنده هستم اختیار دارائی دست خودم و مخارج خود و خانواده‌ام از آن تأمین گردد. ثانیاً اداره اموال پس از فوت این جانب، وصی و قیم فرزندانم، تا زمانی که شوهر دیگری اختیار نکردی، که با توجه به عاطفه مادری که توجه فرزندان ایجاب می‌کند اختیار نکنی، با خودت خواهد بود. ولی اگر اوضاع زندگی تو را مجبور کرد شوهر اختیار نمائی، اداره دارائی فرزندانم با پدرم و در نبودن او مادرم و در نبودن آنها با میرزا آقا خواهد بود. (برادر کوچکم).

فردا که به بازداشتگاه می‌روم دارائی ما غیر از اثاث خانه که خودت می‌دانی... (ناخوانا)

وجوه نقد پس انداز پرم که گویا در حدود ۵۴۲۵۰ ریال (پنجاه و چهار صد و بیست و پنج تومان) می‌باشد، به طوریکه خودت می‌دانی پول فروش زمین عباس آباد اعطائی دولت است. در زندگی ساده ما، جز پول حلال پول دیگری وارد نشده از ابتدا تا کنون زندگی درست و ساده داشتیم و امیدوارم این روش سرمشق فرزند دلبندم گردد.

روی هم‌تان را می‌بوسم سرگرد اسماعیل علمیه

اعضای

از چندی قبل به دولت اطلاعاتی از منابع مختلف می‌رسید که برای سقوط دولت نقشه کودتایی از طرف گارد شاهنشاهی در شرف تکوین است و این اطلاعات مرتباً از منابع مختلف تأیید می‌شد. دولت نیز البته احتیاطات لازم را موعی داشته و آماده برای شنشی کردن نقشه کودتا بود، تا اینکه در شب گذشته، در حوالی نیمه شب بوسیله سرهنگ نصیری، فرمانده گارد شاهنشاهی نقشه مزبور، بدین طریق به موقع اجرا گذارده شد:

در ساعت یازده و چهل دقیقه، عده‌ای از افسران و سربازان گارد به منزل آقای مهندس حق شناس وزیر راه و تیسار ریاحی رئیس ستاد ارتش و مهندس زیرک‌زاده نماینده سابق مجلس حمله نموده و چون تیسار ریاحی در آنموقع در منزل نبوده و مهاجمین با تهدید فرزند نهمسال ایشان نیز نتیجه‌ای حاصل نکردند، آقای مهندس حق شناس و مهندس زیرک‌زاده راه با جامه خواب، تحت الحفظ از منزل خارج نموده و جراً بصورتی اهانت آمیز به سعد آباد بردند و در اطاق افسر کشیک محبوس ساختند. در بین راه نیز آقای مهندس حق شناس را با تفنگ مضرور نمودند. قبلاً نیز عده‌ای دیگر به منزل آقای دکتر فاطمی وزیر امور خارجه رفته و ایشان را به همین صورت بازداشت کرده بودند. کمی بعد از نیمه شب آقایان مذکور راه بوسینه کامیون گارد شاهنشاهی به ستاد ارتش آوردند تا به تصور اینکه نقشه آنها عملی شده است و مراکز حساس دیگر به تصرف مهاجمین در آمده، بازداشت نمایند.

از طرف دیگر، در ساعت یازده شب، طبق دستور ستاد ارتش، سرتیپ کیانی معاون ستاد، مأموریت پیدا می‌کند که برای بازدید واحدهای گارد شاهنشاهی و گارد گمرک، که در باغشاه مستقر بودند، به آنجا بروند. سرتیپ کیانی هنگام ورود به باغشاه وضع را غیر عادی می‌بیند و با سرهنگ نصیری فرمانده گارد شاهنشاهی مواجه می‌شود و بلافاصله به دستور سرهنگ نصیری بازداشت می‌گردد. چون توقف مشارالیه بطول می‌انجامد، از طرف ستاد ارتش به سرهنگ ممتاز که در کلاتری یک مأموریت حفاظت خیابان کاخ را داشت، اطلاع داده شد که سرتیپ کیانی مدتی است به باغشاه رفته و بازنگشته است. سرهنگ ممتاز اظهار می‌دارد که سرهنگ نصیری فرمانده گارد، سرتیپ کیانی را بازداشت کرده و برای توضیحات بیشتر، سرهنگ ۲ زند کریمی را به ستاد ارتش می‌فرستد. سرهنگ ۳ زند کریمی کمی بعد از نیمه شب به ستاد ارتش آمده و جریان توقیف سرتیپ کیانی را مشروحاً گزارش می‌دهد و اظهار می‌دارد که سرهنگ نصیری با چهار کامیون افراد گارد و یک تانک بطرف منزل جناب آقای نخست وزیر حرکت کرده است. رئیس ستاد ارتش قویاً به سرهنگ ممتاز دستور می‌دهد که سرهنگ نصیری را بازداشت و خلع سلاح کند. این دستور بوسیله افسر نامبرده با کمال شهامت اجرا می‌شود و سرهنگ نصیری بازداشت و به ستاد ارتش اعزام می‌گردد. افراد گارد نیز با کامیونها بطرف ستاد ارتش حرکت می‌کنند. آمدن آن عده به ستاد ارتش، طبق برنامه قبلی بوده، زیرا بعداً معلوم شد سه نفر آقایان دکتر فاطمی، مهندس حق شناس و مهندس زیرک‌زاده، که در شمیران دستگیر شده بودند در این کامیونها قرار داشتند و تصمیم بر این بود که جناب آقای دکتر مصدق را نیز دستگیر کرده با آقایان دیگر در باشگاه افسران زندانی نمایند و چون این نقشه عملی نشد، آقایان مذکور مجدداً به سعد آباد محودت دادند و سرهنگ نصیری طبق دستور رئیس ستاد ارتش در بازداشت باقیماند و افراد گارد به معیت یک افسر به سعدآباد مراجعت کردند تا در آنجا زندانی شوند. ضمناً اطلاع داده شد که سرهنگ ۲ آرموده فرمانده هنگ پهلوی هم با عده‌ای از سربازان خود در شهر و در قسمت بازار، سیم‌های تلفن را یکگی قطع کرده است.

طبق دستور رئیس ستاد ارتش از ساعت دو و نیم بعد از نیمه شب، شروع به خلع سلاح افراد گارد شاهنشاهی در باغشاه شد و بتدریج تا ساعت ده صبح امروز کلیه افراد گارد مزبور در شهر و سعدآباد خلع سلاح شدند و گارد منحل شد. آقایان بازداشت شده نیز در حدود ساعت پنج صبح بوسیله تیسار سرتیپ کیانی، معاون ستاد ارتش که از توقیف باغشاه رهایی یافته و به سعدآباد رفته بود، به خانه‌های خود مراجعت کردند. در این جریانات علاوه بر توهین و ضرب آقایان مهندس حق شناس و سایر بازداشت شدگان خانه‌های آنها نیز مورد هجوم و سرفت قرار گرفت و مقداری اشیاء و لوازم به تاراج رفت.

در حال حاضر، دولت کاملاً بر اوضاع مسلط است و عده‌ای از افراد خائن و خطمی را توقیف نموده و فریباً به مکافات اقدامات ضد ملی خود خواهند رسید. در این جریان، عده‌ای از افسران شرافتمند، با کمال شجاعت و علاقمندی و تقایف خود را انجام داده و مانع اجرای نقشه کودتا شدند که اسامی آنها در موقع خود به استحضار عموم خواهد رسید.

سندي درباره دریافت مستمری شاه از آمریکا

WEDNESDAY, FEBRUARY 14, 1979.

THE SITUATION IN IRAN

WITNESSES

HON. DAVID NEWSOM, UNDER SECRETARY OF STATE FOR POLITICAL AFFAIRS
DR. HENRY GAFFNEY, DIRECTOR, NEAR EASTERN, AFRICAN AND SOUTH ASIAN AFFAIRS, OFFICE OF THE ASSISTANT SECRETARY OF DEFENSE (INTERNATIONAL SECURITY AFFAIRS)
CMDR. JAMES KELLY, USN, COUNTRY DIRECTOR FOR IRAN, OFFICE OF THE ASSISTANT SECRETARY OF DEFENSE (INTERNATIONAL SECURITY AFFAIRS)
NATIONAL INTELLIGENCE OFFICER FOR THE NEAR EAST AND SOUTH ASIA, CENTRAL INTELLIGENCE AGENCY
MAJ. DONALD H. ADAMIE, INTELLIGENCE ANALYST DEFENSE INTELLIGENCE AGENCY
STEVEN BOWWORTH, STATE DEPARTMENT
HENRY FRUCHT, STATE DEPARTMENT

U.S. SUPPORT OF THE SHAH

Mr. ADDABBO. As the thing escalated, was there any outcry by the rebels, so to speak, of the fact that the Shah had been on the payroll of the U.S., that we had been paying him this \$1 million a year? Has that ever been brought out or used as a slogan at any time?

Mr. NEWSOM. No. We were seen by the rebels as the primary supporter of the Shah, but it was seen more in terms of our support for the armed forces.

One of the problems that we faced during these days of great uncertainty was the fact that anything the armed forces did to clamp down on the revolution was falsely seen as done by an American hand.

That is part of the anti-American feeling that built up was because of this.

ترجمه سند دریافت مستمري شاه از آمريکا

در تاريخ ۱۴ فوريه ۱۹۷۹ (۲۵ بهمن ۱۳۵۷) کميته های فرعی مشترک سنای آمريکا، با شرکت رؤسای کميته های دفاع - خارجه - دادگستری - بازرگانی و همچنين نمايندگان دپارتمانهای قضائی و سازمانهای اطلاعاتی وابسته، با حضور نمايندگان وزارت خانه ها و سازمانهای مذکور، بمنظور بررسی اوضاع ايران تشکيل گردیده و درباره پشتيبانی ایالات متحده از شاه، مذاکراتی بشرح زیر بعمل آمده است:

آقای جوزف - پ - آدابو Joseph P. Addabo رئيس کميته فرعی دفاع از آقای هون - دیوید - نیوسام Han David Newsom معاون وزارت خارجه آمريکا، سؤال می کند: با شدت گرفتن ناآرامی های ايران، آیا درباره اين واقعيت که شاه حقوق بنگير ایالات متحده بوده است و سالانه یک ميليون دلار به او می پرداخته ایم، سروصدائی از سوی شورشیان شنیده شده است؟ همچنين آیا اين موضوع در شعارهای آنها مورد استفاده قرار گرفته است؟

نیوسام؛ معاون وزارت خارجه در امور سیاسی: نه، ولی شورشیان ما را حامی اصلی شاه می دانند، همچنين بیشتر موضوع پشتيبانی ما از نیروهای مسلح ايران مطرح است... یکی از مسائلی که در اين روزهای نافرجام با آن مواجه بودیم اين مطلب بود که هرگونه اقدام نیروهای مسلح را برای فرونشاندن انقلاب، به غلط از ناحیه ما، میدانستند. بخشی از احساس ضدآمريکائی در حال غلیان، بهمين علت است.

UNION
DE BANQUES SUISSES
GENÈVE

Publiseri Postbank
22-000.00 2 2000 2
Genève Suisse

Bank

10

22 000 000

Publiseri Postbank
22-000.00 2 2000 2
Genève Suisse

They include interest on loans at the current market rate and include the full amount of profits or losses on operations
Subject to the conditions of the contract and the applicable law, the bank is not liable for the accuracy of the information

Year	Account	Balance	Interest	Total	Balance	Interest	Total
20	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
21	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
22	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
23	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
24	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
25	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
26	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
27	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
28	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
29	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
30	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
31	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
32	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
33	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
34	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
35	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
36	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
37	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
38	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
39	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
40	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
41	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
42	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
43	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
44	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
45	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
46	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
47	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
48	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
49	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
50	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
51	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
52	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
53	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
54	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
55	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
56	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
57	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
58	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
59	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
60	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
61	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
62	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
63	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
64	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
65	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
66	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
67	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
68	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
69	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
70	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
71	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
72	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
73	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
74	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
75	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
76	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
77	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
78	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
79	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
80	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
81	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
82	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
83	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
84	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
85	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
86	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
87	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
88	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
89	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
90	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
91	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
92	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
93	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
94	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
95	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
96	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
97	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
98	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
99	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00
100	1000	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00	1,000,000.00	0.00	1,000,000.00

یک صفحه از صورت حساب بنیاد پهلوی در بونبون بانک سوئیس (ژنو) که بوسیله عوامل خیبرخان در تهران فتوکپی شده و تسلیم کمیسیون تحقیق سنای آمریکا گردیده است.

متن رأی دادگاه تجدیدنظر

دنباله بیست و ششمین جلسه دادگاه تجدیدنظر

۱۳۳۳/۲/۲۲

به نام نامی اعلیحضرت همایون شاهنشاهی

شیر و خورشید

وزارت دفاع ملی

اداره دادرسی ارتش

دادنامه

دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ منعقد در باشگاه افسران لشکر ۲ زرهی به رسالت

سرلشکر رضا جوادی و کارمندی دادرسان زیر:

کارمندان اصلی:

کارمندان علی‌البدل:

۱ - سرتیپ عزت‌الله ضرغامی

۲ - سرهنگ جلیل ارفعی

۱ - سرتیپ عیسی هدایت

۲ - سرتیپ ابراهیم والی

۳ - سرتیپ علی میرفندرسی

۴ - سرتیپ مصطفی نوناش

۵ - سرتیپ نصرت‌الله خوشنویسان

۶ - سرتیپ احمد آجودانی

و دادستانی سرتیپ حسین آزموه و منشیگری سرهنگ ۲ علی شاکری در تاریخ ۱۳۳۳/۱/۱۹ برای رسیدگی

به اعتراضات دادستان و متهمین زیر:

۱ - دکتر محمد مصدق (غیرنظامی) فرزند مرحوم هدایت، شهرت مصدق، دارای شناسنامه شماره

۲۰۹۷ صادره از تهران، بدون شغل، سن در حدود ۷۳ سال، ساکن تهران خیابان کاخ خانه شماره ۱۰۹، معیل،

باسواد، مسلمان، تبعه ایران، بدون پیشینه کیفری، یازدهم از تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۳۲.

۲ - سرتیپ تقی فرزند صادق، شهرت ریاحی، دارای شناسنامه شماره ۳۰۹۹۸، شغل افسر ارتش،

سن در حدود ۴۴ سال، ساکن تهران خیابان فروردین، معیل، باسواد مسلمان، تبعه ایران بدون پیشینه کیفری،

یازدهم از تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲.

نیت به رأی صادره از دادگاه بدوی تشکیل گردید:

«گردش کار»

متهمین نامبرده از طرف دادستان ارتش به اتهام سوء قصدی که منظورشان به هم زدن اساس حکومت و

تحریر می مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت و ترتیب وراثت تخت و تاج بوده پس از رستاخیز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحت بیگردد واقع و فرار بازداشت آنها از طرف بازپرس صادر و مورد موافقت دادستان ارتش قرار می گیرد که در نتیجه اعتراض نامبردگان به قرار صادره پرونده مربوطه به دادگاه صالحه ارجاع و قرار صادره تأیید می شود و پس از انجام تحقیقات و بازرسی های لازمه و صدور قرار مجرمیت از طرف دادستان ارتش کیفرخواستی تنظیم می گردد که اعمال انتسابی متهمین که مورد ادعای دادستان واقع شده به شرح زیر می باشد:

درباره دکتر محمد مصدق:

- ۱ - دستور بازداشت سرهنگ نعمت الله نصیری (سرتیب فعلی) فرمانده گارد شاهنشاهی که حامل فرمان عزل بوده است؛
- ۲ - توقیف غیرقانونی افرادی از مأمورین رسمی و غیررسمی؛
- ۳ - خلع سلاح گارد شاهنشاهی حافظ اعلیحضرت همایونی و کاخهای سلطنتی؛
- ۴ - مهر و موم نمودن کاخهای سلطنتی و خلعید نمودن متصدیان و میانشین و مستحقین دربار شاهنشاهی از اموال و کاخهای سلطنتی؛
- ۵ - صدور تلگرافات به سفرای ایران در خارجه دائر به عدم ملاقات و نگرفتن تماس با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی؛
- ۶ - صدور دستور حذف نام شاهنشاه از دعای صبحگاه و شامگاه سرپاژخانه ها؛
- ۷ - دستور تشکیل میتینگ با وسائل تبلیغاتی دولتی برای اهانت به مقام سلطنت و رژیم مشروطیت و بخش جریان میتینگ و سبله رادیو؛
- ۸ - دستور باین آوردن و شکستن مجسمه های اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر و اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی، به منظور بی وقار ساختن خاندان سلطنتی و بالنتیجه تشویق عناصر اخلاکگر به قیام بر علیه سلطنت و رژیم سلطنتی مشروطه ایران؛
- ۹ - دستور انحلال مجلس شورای ملی؛
- ۱۰ - دستور تحت نظر قرار دادن افراد خاندان سلطنتی به استانهای آذربایجان؛
- ۱۱ - دستور بازداشت غیرقانونی تیمسار سبهد زاهدی نخستوزیر منصوب و تعیین جایزه برای دستگیری معظم له؛
- ۱۲ - حذف سرود شاهنشاهی از برنامه رادیو تهران؛
- ۱۳ - اقدام برای تشکیل شورای سلطنتی از راه و فرافروم.

درباره سرتیب تقی ریاحی:

- ۱ - بازداشت سرهنگ نعمت الله نصیری (سرتیب فعلی) که حامل فرمان عزل دکتر محمد مصدق بوده و افسران دیگر بدون مجوز قانونی؛

- ۲ - اجرای خلع سلاح گارد ناهنشاهی؛
 ۳ - دستور حذف نام شاهنشاه از دعای صبحگاه و شامگاه سرپازان؛
 ۴ - دستور عدم جلوگیری از تظاهرات حزب منحلّه توده و اختلالگران بر علیه شاهنشاه و باین آوردن مجسمه‌های شاهنشاه فقید و اعلیحضرت همایون شاهنشاهی.

و به استناد ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش تقاضای کیفر اعدام جهت آنها نموده و پرونده امر به دادگاه بدوی ارجاع که پس از انجام تشریفات قانونی و رسیدگی، دادگاه نامبرده جرم دکتر محمد مصدق را منطبق با ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش دانسته و با اجازه ماده ۴۱۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش و رعایت ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی و توجه به ماده ۴۶ همان قانون، از لحاظ اینکه سن متهم مستجاوز از شصت سال می‌باشد، نامبرده را محکوم به سه سال حبس مجرد نموده و جرم سرپیچ نفی ریاحی را منطبق با بند «ب» ماده ۳۳۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش دانسته و نامبرده را به دو سال زندان تأدیبی و اخراج از خدمت ارتش (طبق ماده ۲۹۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش) محکوم کرده است.

پس از ابلاغ دادنامه صادره دادستان و متهمین طبق ماده ۲۱۷ و ۲۱۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش با توجه به ماده ۲۱۹ همان قانون از رأی صادره تقاضای تجدیدنظر نموده و پرونده به شماره ۱۰۸ در تاریخ ۱۳۳۲/۱۰/۱۵ برای رسیدگی به این دادگاه ارجاع گردیده است.

دادگاه تجدیدنظر پس از انجام تشریفات قانونی در تاریخ ۱۳۳۳/۱/۱۹ تشکیل و در نه جلسه توضیحات دادستان و ایرادات متهمین و وکلای مدافع آنها را در مورد نواقص پرونده و عدم صلاحیت دادگاه استماع و پس از اعلام کفایت مذاکرات در تاریخ ۱۳۳۳/۲/۲ به شور پرداخته و کارمندان اصلی دادگاه به اکثریت آراء (نفس رأی در مقابل یک رأی) اعتراضات متهمین و وکلای مدافع آنها را در خصوص نقایص پرونده و عدم صلاحیت به شرح قرار صادره که در پرونده موجود است وارد ندانسته و آمادگی خود را برای رسیدگی به ماهیت اتهامات مستنبه به هر دو متهم اعلام داشته است.

پس دادگاه تجدیدنظر در تاریخ ۱۳۳۳/۲/۳ الی ۱۳۳۳/۲/۲۴ در هفده جلسه اعتراضات دادستان و متهمین و وکلای مدافع آنها را نسبت به رأی صادره از دادگاه بدوی و آخرین دفاع نامبردگان را استماع و کفایت مذاکرات و ختم دادرسی را در ساعت دقیقه ۲۰ - ۱۳ روز ۱۳۳۳/۲/۲۲ اعلام و بلافاصله به مشاوره پرداخته و با اجرای مدلول ماده ۲۰۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش در ساعت ۲۰-۳۰ روز ۱۳۳۳/۲/۲۲ از شور خارج و به شرح زیر رأی صادر می‌گردد:

«رأی دادگاه»

الف - عمده اعتراضات دادستان و متهمین به رأی دادگاه بدوی به شرح زیر می‌باشد:

خلاصه اعتراضات دادستان ارتش به رأی دادگاه بدوی درباره دکتر محمد مصدق:

- ۱ - دادگاه بدوی اوامر ملوکانه را دایر به اینکه شاهنشاه از تارواییهای متهم درباره خود صرفنظر نموده‌اند تعبیر به گذشت ملوکانه از حق خصوصی نموده در صورتی که حق خصوصی یک مفهوم خاص

قضائی دارد.

۱- پس تعبیر دادگاه موجه نیست زیرا اعلیحضرت همایون شاهنشاهی به دکتر محمد مصدق ادعای خصوصی فرموده بوده‌اند که بعداً گذشت فرموده باشند.

۲- چون جرم انتسابی به دکتر محمد مصدق را دادگاه بدوی منطبق با ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش دانسته و با توجه به ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی رأی صادره نموده - نظر به اینکه جرم نامبرده مقرون به علل منقده است، دادگاه باید دکتر محمد مصدق را محکوم به ده سال زندان مجرد نماید.

۳- اشتباه دیگر دادگاه بدوی این است که ضمن اثناء رأی اشاره به ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی نموده در حالی که ماده نامبرده ناظر به تخفیف در کیفر اصلی است و دکتر مصدق را به سه سال حبس مجرد محکوم کرده که این دو موضوع ضد و نقیض میباشند.

۴- دادگاه بدوی در رأی صادره توضیح نداده که به اتفاق آراء یا به اکثریت آراء رأی صادر شده.

خلاصه اعتراضات دادستان ارتش به رأی دادگاه بدوی درباره سرتیب تقی ریاحی:

۱- دادگاه رعایت ماده ۲۰۲ و ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش را (در مورد اینکه رأی دادگاه باید راجع به تحقیق یزه و توجه آن به متهم و انطباق با مواد قانونی مدلل و موجه باشد) نکرده و بعلاوه کیفر تبعی را (اخراج از خدمت) نیز که هیچگاه در رأی نباید قید گردد برخلاف ماده ۲۹۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش در رأی صادره ذکر نموده.

۲- استدلال دادگاه بدوی در رد دفاعیات سرتیب ریاحی و وکلای مدافع او حاکی از تأیید کیفرخواست و بیانات دادستان ارتش در دادگاه بوده و اعمال او را صریحاً خصمانه تلقی و بسا سوء نیت به منظور برهم زدن اساس حکومت دانسته ولی در تعیین کیفر جرم منسبه را با بند «ب» از ماده ۳۳۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش یعنی لغو دستور تکالیف نظامی منطبق نموده است؛

۳- دادگاه بدوی سرتیب تقی ریاحی را در برابر اعمال منسبه مسئول دانسته و کیفرخواست را تأیید نموده ولی در انطباق جرم با ماده قانونی مرتکب اشتباه شده زیرا دادگاه ضمن رأی صادره، روشن نموده که دستور حذف نام شاهنشاه از دعای صبحگاه و شامگاه و صدور دستور جلوگیری نکردن از پساین آوردن مجسمها و صریحاً اعلام نمودن شاه فراری است به منظور به هم زدن اساس سلطنت بوده، بنابراین جرم نامبرده منطبق با ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش می‌باشد.

خلاصه اعتراضات سرتیب تقی ریاحی و وکیل مدافع نامبرده به رأی صادره از دادگاه بدوی:

۱- با توجه به ماده ۳۳۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش سرتیب تقی ریاحی ضمن انجام اوامر و تکالیف نظامی دستورالعملی را لغو نکرده که دادگاه بدوی نامبرده را طبق بند «ب» ماده ۳۳۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش محکوم نموده؛

۲- دادگاه با ذکر دلایل ماده استنادی دادستان را با اتهامات منسبه به سرتیب تقی ریاحی منطبق ندانسته و او را از اتهامات منسبه مبری نموده، بنابراین دیگر مورد نداشته که دادستان ارتش مجدداً انتساب به همان اتهامات را به متهم تقاضا نماید.

۳ - در ایام ۲۵ الی ۲۸ مرداد دکتر محمد مصدق برای تمام افسران ارتش دارای یک مقام قانونی بوده و کسی از فرمان عزل اطلاع نداشته، لذا او امر نامبرده قانونی محسوب می‌شده به‌علاوه از تاریخی که به امر اعلیحضرت همایون شاهنشاهی مقرر شده سرنپ تقی ریاحی رئیس ستاد ارتش وقت دستورهای مربوطه را مستقیماً از وزارت دفاع ملی وقت دریافت دارد بنابراین وزارت دفاع ملی یگانه آمر قانونی سرنپ ریاحی بوده:

۴ - در مورد حذف نام شاهنشاه از دعای صبحگاه و شامگاه که مورد استناد دادگاه واقع گردیده یا اراده مستقیم سرنپ ریاحی ارتباطی نداشته که بتوان ماده لفظ دستور را شامل حال وی دانست زیرا فرمانده دانشکده افسری برای جلوگیری از اتفاقات احتمالی و حوادث ممکنه در این مورد کسب دستور نموده و رئیس ستاد وقت جریان را به وزیر دفاع ملی گزارش و کسب دستور کرده و دستور صادره را ابلاغ نموده است.

خلاصه اعتراضات دکتر محمد مصدق و وکیل مدافع نامبرده به رأی صادره از دادگاه بدوی:

۱ - در مورد بازداشت سرهنگ نعمت الله نصیری (سرنپ فعلی) اگر مقصود کتمان فرمان عزل بود نمی‌بایستی وسپه‌داده باشم زیرا ابلاغ فرمان مطالبی نبود که با توقیف سرهنگ نصیری بعنوان آن را مکتوم داشت و همراهان او وعده دیگر از صدور فرمان عزل آگاه بودند بازداشت او از این نظر بود که ساعت یک بعد از نصف شب با قوای مسلح بمنظور تکمیل عمل کودتایش آمده بود که اینجانب را دستگیر نماید و چون مطلع شد که به قوای استحفاظی منزل من افزوده شده و موفق به انجام نقشه خود نمی‌گردد فقط به تحویل دستخط اکتفاء نمود:

۲ - در مورد اینکه دادگاه بدوی اظهار نظر نموده «اعلامیه مبنی بر اتهام کودتا منتشر می‌سازند تا گارد شاهنشاهی را متجاوز معرفی و بهانه‌ای برای توقیف اطرافیان مقام سلطنت داشته باشند و خدمتگزاران مقام سلطنت را بازداشت نموده تا مردم در قیام مسلحانه علیه سلطنت تحریض گردند» دستوری برای بازداشت اطرافیان مقام سلطنت نداده‌ام و هر عملی انجام شده قوای انتظامی به مسئولیت خود کرده‌اند و گارد سلطنتی وظیفه‌اش حفاظت اعلیحضرت همایونی و کاخهای سلطنتی است نه اقدام مسلحانه برای دستگیری وزراء و نماینده مجلس:

۳ - راجع به خلع سلاح گارد سلطنتی که دادگاه بدوی اظهار نظر نموده خلع سلاح بدین منظور بوده که اگر اعلیحضرت همایونی نزول اجلال فرمایند بی‌معاذت باشند و مزاحمت و رجاله‌ها و دست‌های مضررسانی نداشته باشد خلع سلاح به منظور جلوگیری از کودتای دیگر بود:

۴ - راجع به مهر و موم نمودن کاخهای سلطنتی که این نوع توجیه شده (که به منظور سلب سلطه اعلیحضرت همایونی بر اموال خود بوده است) چون اعلیحضرت همایونی بدون اطلاع قبلی از کشور تشریف برده بودند این عمل برای حفظ اموال سلطنتی انجام شده است:

۵ - در مورد صدور تلگرافها به سفرای ایران در خارجه دایر به عدم ملاقات و تماس گرفتن با اعلیحضرت همایونی به منظور محدود نمودن معاشرت شاهنشاه که مورد استناد دادگاه بدوی واقع شده.

اینجانب از این تلگرافها اطلاعی ندانستم. چنانچه دکتر فاطمی بگوید به دستور اینجانب چنین تلگرافی مخابره شده هر مجازاتی که قانون معین کرده تحمل می‌کند.

۶- در مورد حذف نام شاهنشاه از دعای صبحگاه و شامگاه در سربازخانه‌ها که مورد استناد دادگاه بدوی است چون اینطور تصور شده بود که شاهنشاه حاضر نیستند بقای نام خود را مقدم بر بقای ایران بدانند دستور داده شد که سرباز به بقای ایران دعا کند زیرا دعای صبح و شام سرباز به بقای ایران دلیل قصد خیانت به شاهنشاه نمی‌باشد:

۷- راجع به میتینگ که دادگاه بدوی منظور از تشکیل آن را تشویق مردم به سقوط اساس حکومت و اهانت از طرف همکاران و محارم دکتر مصدق به شاهنشاه دانسته:

هر وقت نمایندگان اصناف یا احزاب ملی اجازه میتینگ خواستند بشرط آنکه احزاب چپ نطق نکنند و قوای انتظامی از شمار دادن آنها جلوگیری کنند موافقت می‌شود و میتینگ آن روز هم، جنبه خاصی نداشته است و اگر ناطقین مطالبی گفته و برخلاف عمل کرده باشند نمی‌بایستی اعمال آنها را به حساب من گذاشت:

۸- راجع به پایین آوردن مجسمه‌ها و شکستن آنها که دادگاه بدوی به منظور تحریک مردم به ضدیت با قدرت سلطنت و قیام علیه پادشاه دانسته، از فرود آوردن مجسمه‌های اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بکلی بی‌اطلاعم و تعصب مجسمه اصولاً مخالف شرع است. راجع به مجسمه‌های اعلیحضرت فقید روز ۲۶ خیر رسید که احزاب چپ می‌خواستند آنها را خراب کنند و چنانچه این کار می‌شد دولت را متهم به همکاری با آنها می‌کردند این بود که برای رفع محذور احزاب ملی و اصناف خود اینکار را کردند و این عمل روی صرف عقیده انجام شده و به منظور تحریک مردم به ضدیت با قدرت سلطنت نبوده است:

۹- در مورد انحلال مجلس شورای ملی که دادگاه بدوی اظهار عقیده نموده است (اعلامیه مستهم بر انحلال مجلس و تعطیل مشروطیت که در قوانین و سن پارلمانی ایران سابقه ندارد به نتهایی اقدام برای تعطیل رژیم پارلمانی کشور و برهم زدن اساس حکومت قانونی می‌باشد) اولاً هر کاری که در کشور سابقه ندارد و در قوانین پیش‌بینی نشده جرم نیست؛ ثانیاً قانون اساسی بر پایه حکومت مردم بر مردم تدوین شده و فراندم هم که بر همین اساس است کاملاً منطقی است؛ ثالثاً فراندم بهترین وسیله‌ای است در دست دولتها که به مردم متصل شوند - بنابراین فراندم عملی بود در صلاح مملکت و تقویت از رژیم مشروطیت:

۱۰- راجع به نعت نظر قرار دادن خاندان سلطنتی در استان آذربایجان.

از صدور چنین دستوری بی‌اطلاعم و قوای انتظامی بوظیفه خود عمل نموده است.

۱۱- راجع به دستور بازداشت غیرقانونی نیکار سبهدزاهدی نخست‌وزیر منصوب و تعیین جایزه برای دستگیری ایشان که مورد استناد دادگاه بدوی است.

دوره زمامداری تیمار سبهدزاهدی بعد از صدور دستخط عزل اینجانب بوده و دولت اینجانب به دستگیری و بازداشت ایشان موفق نگردید لذا عملی واقع نشده که اتهامی وارد باشد.

۱۲- راجع به حذف سرود شاهنشاهی از برنامه رادیو که دادگاه بدوی سرود شاهنشاهی را رمز شاهدوستی ملت ایران دانسته و ترک این سنت را سوء قصد بر علیه رژیم کشور میدانند. دستوری برای حذف

سرود شاهنشاهی از برنامه رادیو نداده‌ام ولی شخصاً معتقدم که سرود شاهنشاهی در نقاطی که مردم برای رفع خستگی و تفتن و تفریح می‌روند وسیله مؤثری است که مأمورین از آن سوء استفاده کنند که در هنگام اجرای سرود احترامات لازمه را مرعی نداشته‌اند من یقین دارم که شاهنشاه هرگز راضی نمی‌شود که به سه عناوین مختلف زحمت مردم فراهم شود.

۱۳ - راجع به تشکیل شورای سلطنتی از راه رفراندوم که مورد استناد دادگاه بدوی واقع گردیده. اقدام به تشکیل شورای سلطنتی بهترین دلیل عدم انطباق اعمال من با ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش می‌باشد چنانچه اعمال منتسبه به اینجانب به منظور یکی از سه موضوع مندرج در ماده مزبور صورت گرفته بود اقدام برای تشکیل شورای سلطنتی از راه رفراندوم معنی نداشت و ضرورت پیدا نمی‌کرد نظرم این بود که با اعزام چند نفر نماینده به رم از پیشگاه ملوکانه درخواست شود که به ایران مراجعت فرمایند و چنانچه مورد قبول واقع نمی‌شد شورای سلطنتی را تعیین فرمایند و در صورت عدم موافقت با هیچ یک از دو پیشنهاد بالا شورای سلطنتی از طریق رفراندوم تعیین شود زیرا نه مجلسی وجود داشت که این کار را بکند و نه دولت حق اتخاذ چنین تصمیمی را داشت که یگانه راه حل رفراندوم بود که نه خلاف قانون بود و نه مخالف مصالح مملکت.

ب - با در نظر گرفتن آنچه از اعتراضات دادستان ارتش و دکتر محمد مصدق (منتهم ردیف یک) و سر تیب تقی ریاحی (منتهم ردیف ۲) و وکلای مدافع آنها به نظر وارد می‌رسد و اینکه رأی دادگاه بدوی به جهات زیر مغدوش است:

۱ - در مورد دکتر مصدق:

اولاً به طسوری که دادستان ارتش اعتراض نموده دادگاه بدوی ابلاغیه دربار شاهنشاهی را تعیر به گفتن اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از حق خصوصی کرده، در صورتی که اصولاً مقام شامخ سلطنت اعلی و اجل از این است که مدعی خصوصی به نحوی که در ماده ۹ قانون اصول محاکمات جزایی تعیین شده واقع شوند و مضافاً به اینکه چنین اظهار و عنوانی از لحاظ جنبه خصوصی نشده تا اوامر صادره گفتن تلقی شود و بعلاوه از جهت حیثیت عمومی جرم اوامر صادره عنوان عفو نمی‌تواند داشته باشد زیرا اقدام به عفو و بخشودگی پس از قطعی شدن حکم محکومیت با رعایت تشریفات قانونی طبق ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی باید بعمل آید بنابراین استاد دادگاه بدوی به ابلاغیه صادره در این مقام بی‌مورد بوده.

ثانیاً با توجه به کیفیت اتهامات منتسبه و استدلال دادگاه بدوی که اصل مجازات را منطبق با ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش دانسته و با اجازه ماده ۳۱۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش رعایت ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی را نموده که مجازات قابل اعمال در باره نامبرده را حبس مجرد دانسته و چون در ماده مزبور تعیین حداقل و اکثر نشده لذا تعیین حبس مجرد بدون رعایت علل مخففه و دادن تخفیف خالی از اشکال بوده و با اینکه دادگاه در مقام تخفیف برآمده و به ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی استناد نموده اثر قانونی ماده ۴۴ قانون نامبرده در تعیین کیفر مشاهده نمی‌شود.

۲ - در مورد سرتیپ تقی ریاحی:

طبق نص صریح اصل ۷۸ متمم قانون اساسی و مواد ۲۰۲ و ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش احکام صادره از دادگاه باید مدلل و موجه بوده دادگاه راجع به تحقق بزه و توجه آن به متهم و انطباق با مواد قانونی دقت‌های لازم بنماید علاوه بر اینکه رأی صادره در باره سرتیپ تقی ریاحی مدلل و موجه نمی‌باشد تطبیق اعمال منسب به متهم نامبرده با بند «ب» از ماده ۳۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش که مفهوم ظاهر و نص صریح آن لغو دستور مربوط به تکالیف نظامی و فرماندهی در موارد خاص است نه مدلل می‌باشد و نه وجاهت قانونی دارد، از جهت دیگر اصولاً به صورتی که دادگاه بدوی در مورد اتهامات متهم ردیف ۱ (دکتر محمد مصدق) استدلال کرده و مجموع اتهامات انتسابی به مشارالیه را اقدام به ارتکاب جرم موضوع ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش تشخیص داده، تمام اعمال منسب به متهم ردیف ۲ (سرتیپ تقی ریاحی) را به طور مستقیم و یا غیر مستقیم مربوط و مرتبط با قسمتی از اعمال انتسابی به متهم ردیف یک (دکتر محمد مصدق) دانسته بنابراین یا در نظر گرفتن وحدت موضوع بزه انحراف از تطبیق بدون وجود اشتراق صحیح به نظر نمی‌رسد حکم مورد تقاضای تجدید نظر طبق ماده ۲۳۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش نسبت به هر دو متهم فسخ و در مورد دکتر محمد مصدق به اکثریت شش رأی در مقابل یک رأی و در مورد سرتیپ تقی ریاحی به اکثریت پنج رأی در مقابل دو رأی شرح زیر اعلام رأی میگردد:

در مورد دکتر محمد مصدق - هر چند نامبرده در مورد قسمتی از اتهامات منسب صریحاً اقرار و اعتراف نموده و در مورد قسمت دیگر با سفسطه و اختلاط موضوعات برای هر یک از اتهامات به منظور فرار از مجازات مطالبی برای دفاع از خود عنوان نموده که با توجه به محتویات پرونده و توضیحات اشخاصی که به عنوان مطلع در دادگاه بدوی احضار شده‌اند به نظر دادگاه مدافعات مشارالیه مؤثر نبوده و هیچیک از آنها ارزش قضائی ندارد و خاصه اظهار عدم اطلاع او از بعضی اعمال و وقایع «از قبیل تلگرافات به سقرای ایران در خارجه دایر به ملاقات تنودن و تماس نگرفتن با اعلیحضرت همایون شاهنشاهی با آن لحسن موهن - تشکیل میتنگ با وسائل تبلیغاتی دولتی و تعلق دکتر حسین قاضی در میتنگ عصر ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ که متهم نامبرده او را وزیر خارجه خود می‌دانسته - یائین آوردن مجسمه‌های اعلیحضرت محمدرضا شاه بهلوی - نحت نظر قرار دادن خاندان سلطنتی» با قسمتی که برخلاف قانون اساسی برای خود باقی می‌داند قابل پذیرش نمی‌باشد زیرا هر چند نامبرده قانوناً معزول بوده و سمتی نداشته ولی چون خود را نخست‌وزیر دانسته لذا طبق اصل ۶۱ متمم قانون اساسی به زعم خود مسئولیت مشترک در کلیات امور داشته است.

همچنین در بعضی موارد نیز که اظهار حسن نیت و خیرخواهی نموده «مانند اقدام به تشکیل شورای سلطنتی از راه رفتارندوم که صراحتاً در محضر دادگاه چنین اظهار نمود - نظر این بود هیئت وزیران بوسیله تلگراف یا اعزام چند نفر به رم از پیشگاه ملوکانه درخواست کنند که به ایران مراجعت فرمایند چنانچه این درخواست مورد قبول واقع نمی‌شد شورای سلطنتی را تعیین فرمایند که در غیاب شاهنشاه انجام وظایفی که بعهده مقام سلطنت محول است معوق نماند و در صورت عدم موافقت با هیچ یک از این دو پیشنهاد آنوقت

شورای سلطنتی از طریق و فراندوم تشکیل شود به نظر دادرسان دادگاه متعلقاً و قانوناً قابل قبول نمی باشد زیرا اگر این ادعا صدق بود از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ مرداد با موجود بودن همه گونه وسایل سریع السیر ارتباطی که در اختیار متهم بود اقدام به اعزام چند نفر به رم برای عملی نمودن مراتب مورد ادعای خود می نمود ولی با توجه به محتویات پرونده و تحقیقاتی که بعمل آمده این عقیده و حسن نیت ادعایی در مدت چهار روز نه فقط عملی نشده حتی کوچکترین اقدامی برای عملی نمودن آن از قبیل تعیین اشخاص و یا در نظر گرفتن وسیله حرکت ننموده حتی با موجود بودن همه گونه وسائل مخابراتی اقدام به مخابره یک تلگراف مستقیم یا توسط سفارتخانه ایران در بغداد و رم به پیشگاه اعلیحضرت همایون شاهنشاهی نکرده که این ادعای حسن نیت و خیرخواهی او مشهود و مورد قبول دادگاه واقع گردد ولی برعکس تلگرافهایی که به نمایندگان سیاسی ایران در خارج دایر به تماس نگرفتن با اعلیحضرت شاهنشاهی مخابره شده برخلاف این مدعا و حاکی از سوء نیت میباشد.

همچنین در مورد حذف نام اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از دعای صبحگاه و شامگاه در سربازخانه ها اظهاراتش یا بیانات سرتیپ تقی ریاحی متناقض می باشد زیرا متهم نامبرده اظهار داشته چون اینطور تصور شد که شاهنشاه حاضر نیستند بقای نام خود را مقدم بر بقای نام ایران بدانند لذا دستور داده شد که سرباز به بقای ایران دعا کند و اعلیحضرت همایونی هم در یک مملکتی مستقل و آزاد سلطنت فرمایند و دعای صبح و شام سرباز به بقای ایران دلیل قصد خیانت به شاهنشاه نبوده است» سرتیپ تقی ریاحی ادعا نموده و توضیح داده که بنا بر پیشنهاد فرمانده دانشکده افسری از لحاظ جلوگیری از اتفاقات سوء احتمالی دعای مورد نظر با اطلاع دکتر محمد مصدق تغییر داده شده ولی متهم نامبرده (دکتر محمد مصدق) به هیچ وجه نتوانسته ثابت کند که در تغییر دعای صبحگاه و شامگاه و حذف نام اعلیحضرت همایون شاهنشاه از دعا نامبرده چه حسن نیتی داشته و چگونه قبل از دریافت فرمان عزل اقدام به این عمل نشده و این اتفاقات منافی و مخالف مقام سلطنت و حکومت سلطنتی مشروطه پس از صدور فرمان عزل و تمکین نکردن از آن به وقوع پیوسته است. بنابراین اجمالاً اعمال و افعال مشارالیه از ساعت یک روز ۲۵ الی ۲۸ مرداد منفرداً و مجتمعاً به طور واضح و روشن منطبق با ماده ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش بوده و با در نظر گرفتن اینکه دادستان ارتش از حکم دادگاه بدوی تقاضای تجدیدنظر نموده نامبرده به استناد ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش و رعایت ماده ۴۶ قانون کیفر عمومی از لحاظ تجاوز سن او از شصت سال محکوم است به سه سال حبس مجرد و باید مدتی را که از تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ بازداشت بوده در حساب محکومیت او منظور نمود. در مورد سرتیپ تقی ریاحی - سرتیپ تقی ریاحی در تمام اعمال ارتشگاهی صرفاً منظورش تسهیل اجرای منویات متهم ردیف یک (دکتر محمد مصدق) بوده و با علم و اطلاع به هدف و منظور نامبرده و مواضع و تئوری با مشارالیه به تضعیف حس شهودستی و تزلزل مقام نامح سلطنته و مخواتاری که موجب تذکر وجود سلطنت بوده و تنویق مخالفین سلطنت و ارباب و آزار کسانی که حرارت سلطنت خواهی و شهودستی در آنها شعلهور بوده مباردت نموده است، زیرا دستور تغییر دعای صبحگاه و شامگاه یا حذف نام اعلیحضرت همایون شاهنشاهی از آن دعا و مخابره تلگرافات به لشکر ۶ فارس و فرمانداری نظامی آبادان به مضمون اینکه شاه قرار می است و

جلوگیری از پائین آوردن از مجسمه‌ها نشود و دستور تیراندازی در روز ۲۸ مرداد به طرف افسرادی که احکامات شاهدوستی خود را ابراز می‌داشته‌اند به نظر دادرسان دادگاه دلیل کافی برای اثبات همکاری و معاونت او یا متهم ردیف ۱ (دکتر محمد مصدق) می‌باشد.

بنابراین اعمال مشارالیه معاونت با دکتر محمد مصدق بوده و به استناد ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش و ماده ۲۸ و ۲۹ قانون مجازات عمومی و توجه به ماده ۳۰ همان قانون محکوم است به سه سال حبس یا کار و باید مدتی که از تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بازداشت بوده در حساب محکومیت او منظور گردد. رأی صادره با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۶۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش در مدت ده روز از تاریخ اعلام آن فرجام‌پذیر می‌باشد.

رئیس دادگاه تجدیدنظر وقایع ۲۵ الی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ — سر لشکر رضا جوادی

کارمند ۱ — سرتیپ عیسی هدایت

کارمند ۲ — سرتیپ ابراهیم والی

کارمند ۳ — سرتیپ علی میرفندوسکی

کارمند ۴ — سرتیپ نصرت الله خوشنویسان

کارمند ۵ — سرتیپ احمد آجودانی

طبق رأی جداگانه که منضم به پرونده است.

کارمند علی البدل — سرتیپ عزت الله ضرغامی طبق رأی جداگانه در مورد متهم ردیف ۲.

دادیار دادستانی ارتش — سرهنگ ۲ الهیاری ساعت ۲۰:۳۰ روز ۳۳/۲/۲۲

از این حکم که در یک دادگاه غیرقانونی و برخلاف قانون و انصاف صادر شده است درخواست فرجام می‌کنم و از دادرسان تمنا دارم که دستور فرمایند وکلای اینجانب آقایان بهرام مجدزاده، حسن صدر و آقای علی شهیدزاده هرچه زودتر با اینجانب تماس بگیرند تا با مشورت آنان درخواست فرجامی تهیه شده تقدیم دفتر دادگاه شود. ۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ دکتر محمد مصدق

به رأی صادره معترض و تقاضای فرجام مینمایم لایحه فرجامی را جداگانه در مهلت قانونی تقدیم خواهم داشت. سرتیپ تقی ریاحی

رؤیت شد — سرهنگ بزرگمهر ۳۳/۲/۲۲ رؤیت شد — سرهنگ ۲ ازین ۳۳/۲/۲۲

دادنامه

رأی اقلیت درباره متهم ردیف ۲ (سرتیپ تقی ریاحی)

نظر به اینکه متهم ردیف ۲ (سرتیپ تقی ریاحی) در اتهامات متشبه روی میاتی انضباط و اطاعت از

امر مافوق دستورالعملی صادر نموده و سوء نیت او نسبت به مقام سلطنت به هیچ وجه محرز نگردیده است علیهذا عمل او با ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش منطبق نبوده ولی از لحاظ توهینی که در تلگراف مربوط به مقام سلطنت نموده است و نظر به اعتراف مشارالیه در مورد اخیر بزه او منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی بوده و با بررسی به اوضاع و احوال به یکال حبس تأدیبی محکوم می‌گردد.

سرتیب عزت‌الله خسروغامی سه سرتیب احمد آجوردانی

دادنامه

رأی اقلیت درباره متهم ردیف ۱ (دکتر محمد مصدق)

با در نظر گرفتن مقادیر پرونده و توضیحاتی که در جلسات دادگاه از طرف متهم ردیف ۱ (دکتر محمد مصدق) به دادستان ارتش داده شد اینجانب اتهامات متوجه به دکتر محمد مصدق را منطبق با یک قسمت از ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش دانسته و با توجه به ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی که سن نامبرده از شصت سال متجاوز است و در نظر گرفتن خدمات سابق دکتر محمد مصدق که از طرف ذات اقدس شهریاری مورد تقدیر واقع گردیده و اینکه نامبرده هیچ گونه سابقه کیفری ندارد وی را مشمول یک درجه تخفیف بر طبق ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی دانسته و به سه سال حبس عادی محکوم می‌گردند.

سرتیب احمد آجوردانی - ۲۲/۲/۲۲

صورت دعوی مدعی نسبت به اراضی در دادگاه

اتفاقی در صورت اراضی

آبی سبز آبی سوری	۱۰۰۰۰	تومان
طوری	۶۰۰۰	تومان
توجهی	۶۰۰۰	تومان
سویلی	۸۰۰۰	تومان
حصص	۲۰۰۰	تومان
تفاز	۳۰۰۰	تومان
حصص شهر	۲۰۰۰	تومان
فصلیه	۲۵۰۰	تومان
سویلی	۲۰۰۰	تومان
زاد برادر	۱۵۰۰	تومان
مهر	۲۰۰۰	تومان
خرمن	۲۰۰۰	تومان
ارجایی	۱۰۰۰	تومان
مهر منابع	۱۰۰۰	تومان
بافت خردم	۱۰۰۰	تومان
بافت مالیه	۱۰۰۰	تومان
ششپانها	۲۰۰۰	تومان
تومان ۵۴۰۰۰		

اتفاقی در صورت اراضی

بازگشت قری	۲۰۰۰	تومان
انوار باذن	۲۰۰۰	تومان
اجار	۱۰۰۰	تومان
حصص اولی	۱۰۰۰	تومان
حصص دوم	۱۰۰۰	تومان
تراجع بارش	۵۰۰	تومان
بافت شهر	۵۰۰	تومان
حصص بارش	۱۰۰۰	تومان
حصص بارش	۱۰۰۰	تومان
تومان ۱۰۰۰۰		

حقان

۵۴۰۰۰	تومان
۱۰۰۰۰	تومان
تومان ۶۴۰۰۰	

تومان ششصد و چهل هزار و چهل تومان
 در صورتیکه در این باره هیچ اعتراضی نداشته باشد

چنانچه در این دادگاه از جانب این طرف در وقت خارج شهر حق خیر اراضی نخواهد
 بماند و این در این باره در این دادگاه در وقت خیر اراضی نخواهد
 بود که در این باره در این دادگاه در وقت خیر اراضی نخواهد
 بود که در این باره در این دادگاه در وقت خیر اراضی نخواهد

وصیت نامه دکتر محمد مصدق

۱- وصیت می‌کنم که فقط فرزندان و خویشان نزدیکم از جنازه من تشییع کنند و مرا در محلی که شهدای ۳۰ تیر مدفونند دفن نمایند.

۲- بدون سند رسمی یا نوشته به خط و امضای خود به کسی مدیون نیستم.

۳- نظر به اینکه طبق اسناد رسمی ثبت شده در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ طهران منافع دو سال از خانه‌ها و مستغلاتی که به فرزندان خود بخشیده‌ام پس از مرگ تعلق به این جانب دارد به شرح ذیل:

الف- منافع خانه واقع در کوچه ازهری ملک خانم ضیاء اشرف بیات مصدق سند شماره ۲۹/۴۲۱۵۶ اسفند ۱۳۲۹

ب- منافع چهار دانگ از خانه‌هایی که در آن سکونت داشتم ملک آقای مهندس احمد مصدق سند شماره ۲۹/۴۲۱۵۷ اسفند ۱۳۲۹

ج- منافع خانه مسکونی همسر عزیزم ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره ۲۹/۴۲۱۵۸ اسفند ۱۳۲۹

حق الارض عمارت دو اشکوبه و دو گاراژ ملک آقای دکتر غلامحسین مصدق سند شماره ۲۹/۴۲۱۵۹ اسفند ۱۳۲۹ که در سال به یکصد و بیست هزار ریال (دوازده هزار تومان قطع شده) د- مستغلات واقع در خیابان ناصرخسرو ملک بانو منصوره متین دفتری سند شماره ۲۹/۴۲۱۶۰ اسفند ۱۳۲۹

از بابت منافع سال اول مبلغی که در صورت جداگانه به خط این جانب تنظیم شده به اشخاص مفصله در آن صورت بپردازند و هرچه باقی ماند برای نماز و روزه و حج این جانب بکار برند و از عوائد سال دوم قطعه زمینی برای باشگاه دانشجویان دانشگاه طهران مناسب باشد با نظر نماینده آقایان مزبور خریداری شود و چنانچه آقایان دانشجویان قطعه زمینی در اختیار داشته باشند مبلغ مزبور را به نماینده و یا نمایندگان قانونی آقایان دانشجویان تحویل بدهند که آنها خود مبلغ مزبور را صرف تعمیر یا ساختمان جدید آن بنمایند چنانچه وصیت نامه دیگری جزو نوشتجات غارت شده یا در خانه و نزد دیگران بدست آید از درجه اعتبار ساقط است.

احمدآباد ۲۰ آذرماه هزار و سیصد و چهل و چهار هجری شمسی
دکتر محمد مصدق

در ۱۴ اسفند ۱۳۴۴ که دفتر یومیه نوشتجات خود را دیدم ملاحظه شد که طبق سند تنظیمی در دفتر اسناد رسمی شماره ۳۹ طهران منافع خانه واقع در کوچه ازهری را به خانم ضیاء اشرف بیات مصدق بخشیده‌ام و طبق نوشته مورخ ۳ تیرماه ۱۳۳۸ به آقای مجید بیات وکالت داده‌ام دفتر اسناد رسمی را امضاء نماید بنابراین پرداخت وجه در دو سال بعد از حیاتم مربوط به میل و استطاعتی است که خانم ضیاء اشرف داشته باشد. به طور خلاصه می‌تواند تمام یا قسمتی و یا هیچ پرداخت نکند.

دکتر محمد مصدق



حسين اعلاه



محمد علي فروغى (ذڪاء الملڪ)



سيد حسن تقى زاده



علي اكبر داوڙ



سپید حاجیعلی رزم آرا



احمد قوام (قوام السلطه)



رضا حکمت (سردار ناخر)



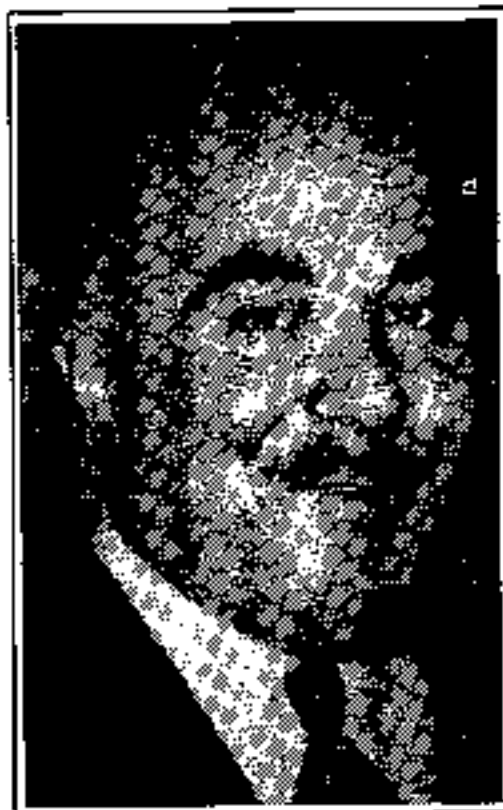
سیدضیاءالدین طیبابای



علی منصور



علی مهدي



عبدالحسين حمراوی



ابوالحسن افتهاج



حسین مکی



آیت الله سید ابوالغاسم کاشانی



دکتر کریم سنجایی



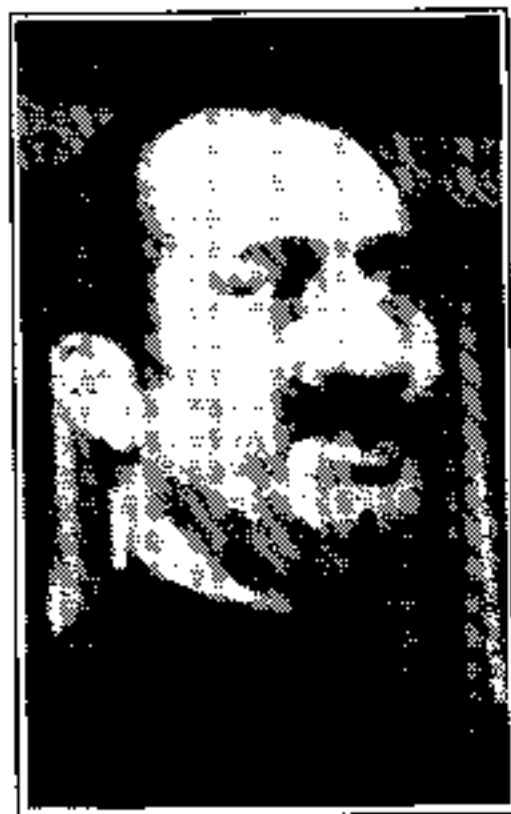
دکتر مظفر بفاانی



دکتر سیدعلی شایگان



الطیبار صالح



داریوش فروهر



شمس الدین امیرعلانی



مهندس احمد زیرک‌زاده



محمود نوروزیان



مهندس سید احمد رضوی



دکتر عبدالله معظمی



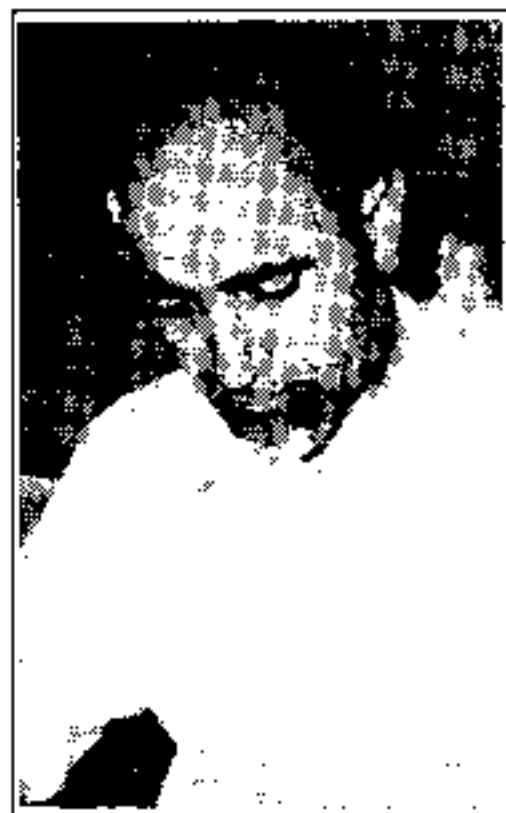
دکتر حسین فاطمی



دکتر غلامحسین صدیقی



مهندس کاظم حبیبی



مهندس مهدی یازرگان



سرتيپ تقي رياحي



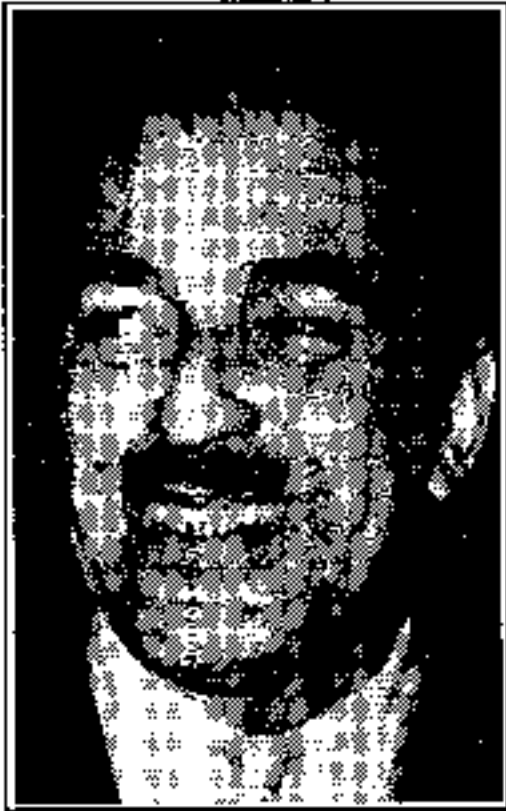
سر لشکر محمود افشارطوس



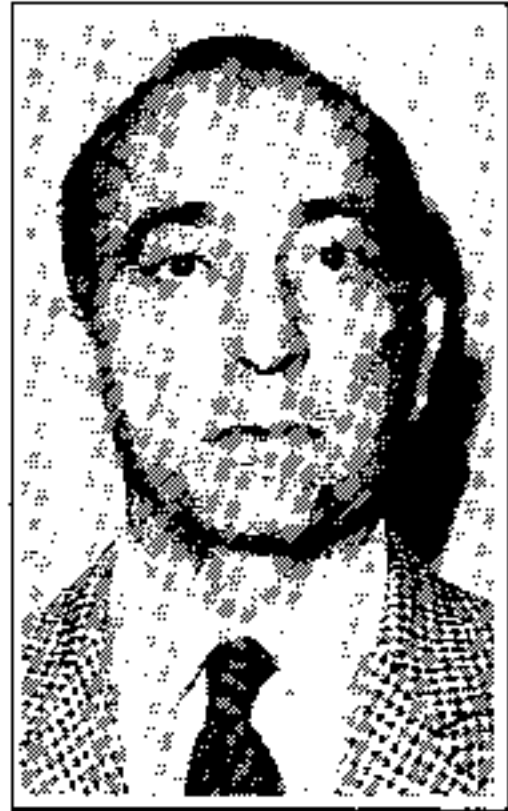
دکتر سعيد فاطمي



سرهنگ عزت الله ممتاز



توچهر تیمورتاش



محمدحسین قشانی



سیف‌الله رشیدیان



اسدالله رشیدیان



امیراسدالله علم



سرهنگ تیمور بختيار



بهرام شاهرخ



جمال امامی



سرهنگ نعمت الله نصیری



سپهبد فضل الله زاهدی



سرتیپ محمد دفتری



سرتیپ حسین آزموه



ابوالقاسم امینی



دکتر علی امینی



دکتر هادی طاهری



سرفیپ محمود امینی



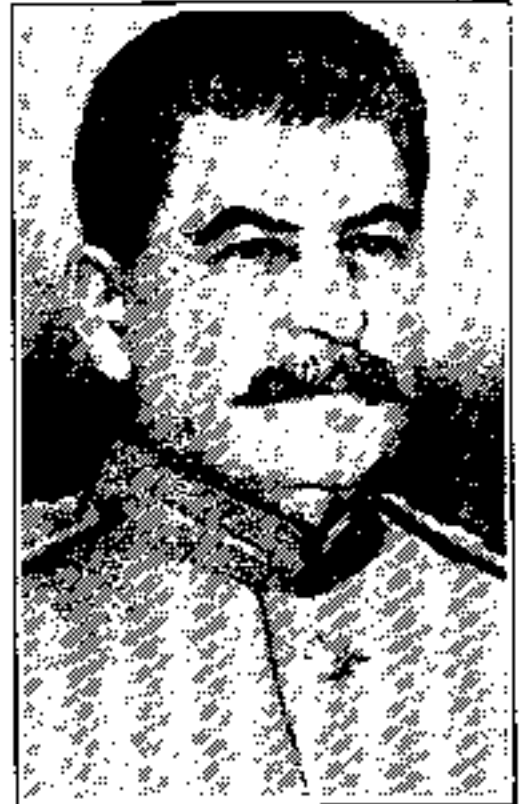
دولت آينه‌هاور



هري ترومن



دوشتون چرخير



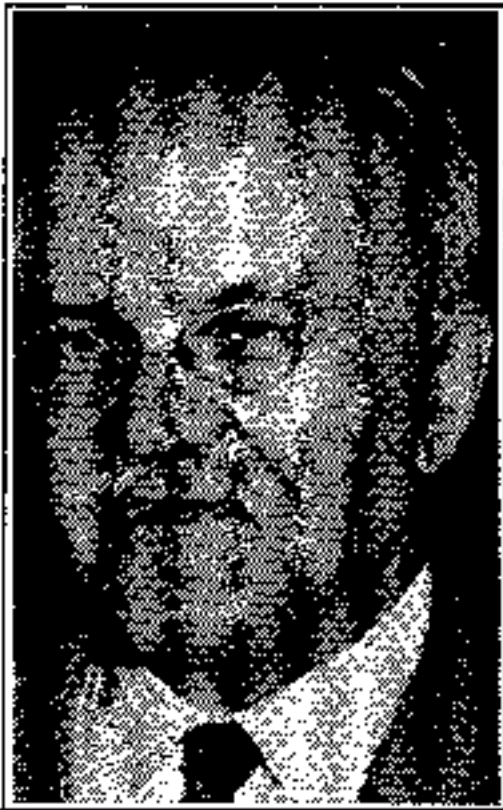
زورف اسناليه



آلن دالرس



جرج مڪگي



وياجمسلار مولوتف



اورول هرمن



جرج میدلتون



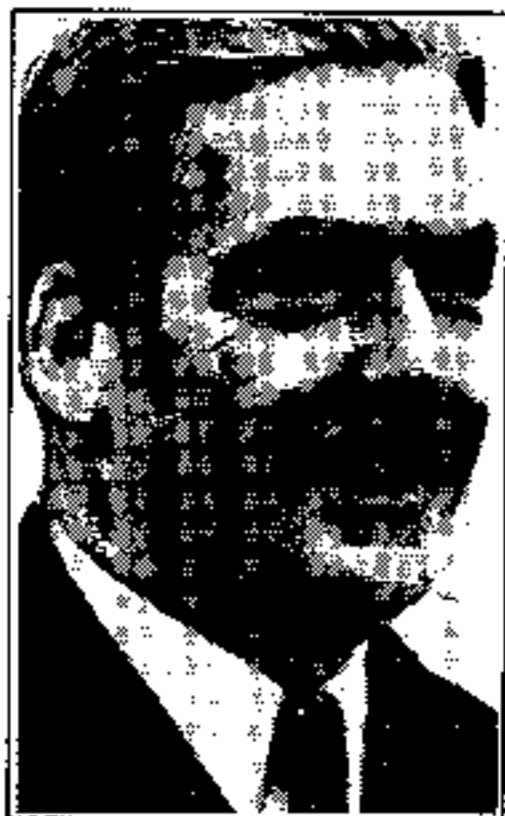
کرمیت روزولت



آن. لبتون



فرانسیس شپرد



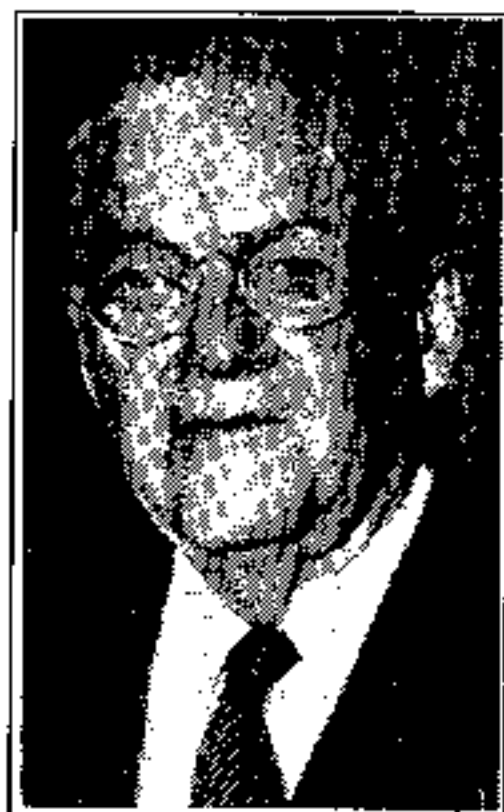
آنتونی ایڈن



کلنت انلی



دین آچسن



جان فاستردالی



پروفیسور حنی زولان



دینیاہ فریدز



ھاوارد بیٹھی



ریچارد مڈان



لوی هتدرسن



سرگش کافتار دزه



سر جان کدمن



ایوان ساهچیکف



میزن دکتر مصدق در
روز ۲۸ مرداد ۱۳۳۲



سلول دکتر مصدق
در سلطنت آباد
(طبقه بالا)



مصداق در حال انتقال به
داوگاه نظامی



در جریان محاکمه دکتر مصداق



سالهای آخر
تبعید
در احمدآباد



همراه با همسر در تبعید



آرامگاه دکتر محمد مصدق



... من طی این همه فشار و تاملیمات، این همه تهدید و تضییقات از علت اساسی و اصلی گرفتاری خود غافل نیستم و به خوبی می دانم که سرنوشت من باید مایه عبرت مردانی شود که ممکن است در آئینه در سراسر خاورمیانه در صدها گسیختن زنجیر بندگی و پردهگی استعمار برآیند.

از آخرین دفاع دکتر مصدق در دادگاه بدوی

سال شمار زندگی دکتر محمد مصدق

۱۲۹۹ قمری (۲۹ رجب) / ۲۹ اردیبهشت ۱۲۶۱ شمسی / ۲۰ مه ۱۸۸۲ میلادی -
ولادت در تهران^(۱).

۱۳۱۴ - تصدی استیفای خراسان.

۱۳۲۴ - انتخاب شدن به نمایندگی دوره اول مجلس شورای ملی از اصفهان، ولی
مجلس به علت به حد نصاب نرسیدن سن، او را نپذیرفت.

۱۳۲۵ (۲۰ جمادی الاول) - قبول عضویت در «جامع آدمیت».

۱۳۲۶/۱۹۰۸ میلادی - عزیمت به فرانسه و آغاز تحصیل در مدرسه علوم سیاسی -
ادامه تحصیل در رشته دکتری حقوق در شهر «نیوشاتل» سوئیس.

۱۳۳۱/۱۹۱۳ میلادی - اخذ درجه دکتری در رشته حقوق.

۱۳۳۲/۱۹۱۴ میلادی - چاپ رساله دکتری: وصیت در حقوق اسلام.

۱۳۳۲/اواخر ۱۹۱۴ میلادی - بازگشت به ایران - تدریس در مدرسه علوم سیاسی.

۱۳۳۳/۱۲۹۴ شمسی - تألیف و نشر «کاپیتولاسیون و ایران».

- تألیف و نشر «دستور در محاکم حقوقی».

- همکاری در نشر مجله عملی.

۱. به گفته آقای ایرج افشار، در تطبیق سه تاریخ قمری، شمسی و میلادی اشیاء روی داده است و با مراجعه به
جداول تطبیق معلوم شده است که ۲۹ رجب ۱۲۹۹ قمری، مطابق است با ۱۶ روتن ۱۸۸۲ و ۲۶ خرداد ۱۳۶۱.
(مصدق و مسایل حقوق و سیاست، مجموعه ۹ مقاله و رساله از دکتر محمد مصدق، به کوشش ایرج افشار،
انتشارات زینت، تهران ۱۳۵۸)

- عضویت کمیسیون «توفیر جمع و خرج» در وزارت مالیه.

- عضویت در حزب اعتدال.

- عضویت در حزب دموکرات.

۱۲۹۴ شمسی (آبان) - انتخاب به عضویت کمیسیون تطبیق حوالجات (جانشین دیوان محاسبات) از طرف دوره سوم مجلس شورای ملی به مدت دو سال.

۱۲۹۶ (تا اردیبهشت ۱۲۹۷) - معاونت وزارت مالیه و رییس کل محاسبات.

۱۲۹۸/۱۹۱۹ میلادی - عزیمت به اروپا؛ اقامت در سویس و مخالفت با قرارداد ۱۹۱۹.

۱۲۹۹ - وزارت عدلیه در کابینه مشیروالدوله، پس از ورود به بندر بوشهر (۱۵ مهر) به مناسبت تمایل مردم و موافقت دولت به والیگری ایالات فارس منصوب شد.

۱۲۹۹ (۱۹ مهر تا ۳ فروردین ۱۳۰۰) - والی فارس. پس از کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ و ریاست وزرایی سیدضیاءالدین طباطبایی استعفا کرد و برای مصون ماندن از تعرض دولت کودتا، به دعوت سران بختیاری به آن دیار رفت.

۱۳۰۰ (۱۴ خرداد تا ۲۹ دی) - وزارت مالیه در کابینه قوام السلطنه، با اخذ اختیارات قانونی از مجلس شورای ملی به مدت سه ماه - مصدق در ترمیم کابینه قوام به وزیری خارجه انتخاب شد، ولی نپذیرفت.

۱۳۰۰ (۲۸ بهمن تا ۲۰ تیر ۱۳۰۱) - والی آذربایجان.

۱۳۰۲ - نمایندگی مردم تهران در دوره پنجم مجلس شورای ملی.

تشکیل کمیسیون معارف و عضویت در آن.

تألیف و نشر کتاب «حقوق پارلمانی در ایران و اروپا».

۱۳۰۴ - تألیف و نشر «اصول و قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران قبل از مشروطیت و دوره مشروطیت».

۱۳۰۴ (۹ آبان) - مخالفت با طرح انقراض سلسله قاجاریه و تغییر سلطنت.

۱۳۰۵ (تیرماه) - نمایندگی مردم تهران در دوره ششم مجلس شورای ملی.

۱۳۰۵ (شهریور) - مخالفت با کابینه مستوفی‌الممالک، نسبت به صلاحیت دو تن از وزیران (و ثورق‌الدوله و ذکاء‌الملک فروغی).

۱۳۰۶ (خرداد) - مخالفت با اختیارات داور، وزیر عدلیه.

۱۳۰۷ - آغاز خانه‌نشینی.

۱۳۱۵/۱۹۳۶ میلادی - سفر به آلمان (برلین) برای معالجه (به مدت ۳۸ روز).

۱۳۱۹-۱۳۱۵ - اقامت در احمدآباد ساوجبلاغ و تهران.

۱۳۱۹ (۵ تیر) - بازداشت از طرف شهربانی در تهران (یازده روز) و انتقال به زندان بیرجند.

۱۳۱۹ (۲۳ آذر) - بازگردانیده شدن به قریه احمدآباد و تحت نظر قرار گرفتن.

۱۳۲۰ (۲۱ شهریور) - اجازه خارج شدن از احمدآباد.

۱۳۲۲ (۱۴ اسفند) - نماینده اول مردم تهران در انتخابات دوره ۱۴ مجلس شورای ملی، مخالفت با اعتبارنامه سیدضیاء‌الدین طباطبایی.

۱۳۲۳ (شهریور تا آذر) - مخالفت با دادن هرگونه امتیاز نفت به خارجیان در سخنرانی‌های مجلس شورای ملی؛ پیشنهاد طرح چهار ماده‌ای منع دولت‌های ایران برای مذاکره با خارجیان درباره واگذاری امتیاز نفت و تصویب آن.

۱۳۲۳ (اسفند) - حمله به مفسدین و دزدان بیت‌المال در مجلس شورای ملی؛ درخواست اخراج دکتر میلسپو مستشار آمریکایی در امور مالی ایران.

۱۳۲۴ (مهر) - رهبری اقلیت مجلس در آبستروکسیون، علیه کابینه صدرالاشراف.

۱۳۲۴ (۱۹ دی) - مخالفت با کمیسیون سه‌جانبه پیشنهادی دولت‌های شوروی، انگلیس و آمریکا.

۱۳۲۶ (آذر) - رأی تمایل ۵۳ تن از نمایندگان مجلس شورای ملی به نخست‌وزیری مصدق - ابراهیم حکیمی (حکیم‌الملک) با ۵۴ رأی نخست‌وزیر شد.

۱۳۲۶ - تحریم انتخابات مجلس شورای ملی در دوره حکومت احمد قوام (قوام‌السلطنه).

- ۱۳۲۸ (اردیبهشت) - مخالفت با تشکیل مجلس مؤسسان.
- ۱۳۲۸ (۲۲ مهر) - اعتراض به نحوه برگزاری انتخابات دوره شانزدهم؛ تحصن (۴ روزه) همراه شماری از یاران خود در دربار.
- ۱۳۲۸ (۲۱ آبان) - اعلام تشکیل جبهه ملی ایران.
- ۱۳۲۸ (آبان) - تبعید به احمدآباد، پس از قتل عبدالحسین هژیر، وزیر دربار.
- بازگشت از احمدآباد به تهران.
- ۱۳۲۸ (۱۸ بهمن) - تشکیل میتینگ بزرگ جبهه ملی در میدان بهارستان، نطق دکتر مصدق در اعتراض به افتتاح مجلس قبل از انتخابات تهران.
- ۱۳۲۹ (۱۹ فروردین) - نمایندگی اول تهران در مجلس شانزدهم.
- ۱۳۲۹ (۴ خرداد) - مخالفت با طرح نخست‌وزیری رزم‌آرا.
- ۱۳۲۹ (تیرماه) - تشکیل کمیسیون مخصوص نفت؛ انتخاب دکتر مصدق به ریاست کمیسیون.
- ۱۳۲۹ (۱۵ آبان) - پیشنهاد طرح ملی شدن صنعت نفت در سراسر ایران از سوی نمایندگان جبهه ملی در کمیسیون نفت.
- ۱۳۲۹ (۲۹ اسفند) - مجلس طرح مصدق را برای ملی شدن نفت تصویب کرد.
- ۱۳۳۰ (۱۲ اردیبهشت) - قبول نخست‌وزیری.
- ۱۳۳۰ (۲۹ خرداد) - خلع ید از شرکت نفت انگلیس و ایران.
- ۱۳۳۰ (۲۲ - ۲۶ مهر) - حضور در جلسات شورای امنیت سازمان ملل و دفاع از حقانیت نهضت ملی ایران.
- ۱۳۳۱ (خرداد) - حضور در دیوان دادگستری بین‌المللی (لااهه) و دفاع از حقانیت ایران در ملی کردن صنعت نفت.
- ۱۳۳۱ (۲۵ تیر) - استعفا از نخست‌وزیری به علت مخالفت محمدرضا شاه با تعیین وزیر جنگ از طرف نخست‌وزیر.
- ۱۳۳۱ (۲۷ تا ۳۰ تیر) - قیام ملت ایران به هواخواهی از مصدق، عقب‌نشینی شاه؛